

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تک‌نگاشت‌های  
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

# الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش «ناپایداری توسعه پایدار»

تیر ماه ۱۳۹۴

## رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت  
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود  
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی  
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه	: توحیدی‌نیا، ابوالقاسم، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش «ناپایداری توسعه پایدار» / نگارش ابوالقاسم توحیدی‌نیا، میثم قدیمی‌ریانی.
مشخصات نشر	: تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۹ ص: مصور، جدول، نمودار.
فروست	: سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۶۰.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۴۶-۳-۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۸۸.
موضوع	: پیشرفت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: توسعه پایدار
موضوع	: توسعه پایدار -- ایران
موضوع	: توسعه پایدار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده	: قدیمی‌ریانی، میثم، ۱۳۵۶ -
شناسه افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ الف ۷ / ۲۹ ب ۲۳۰۷ BDP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۸۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۴۲۷۴۶

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:  
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش «ناپایداری توسعه پایدار»

نگارش: دکتر ابوالقاسم توحیدی‌نیا (استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)  
میثم قدیمی‌ریانی (کارشناس ارشد اقتصاد محیط‌زیست دانشگاه تهران)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، تیرماه ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۴۶-۳-۰۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل‌احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳  
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.  
مسئولیت دیدگاه‌های بیان‌شده در این تک‌نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

## پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تاسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت تک‌نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک‌نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک‌نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک‌نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رسانند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.



## فهرست

۴	۱- توسعه پایدار.....
۴	۱-۱- مقدمه.....
۷	۲-۱- توسعه پایدار چیست.....
۱۲	۳-۱- نشست‌ها و بیانیه‌ها.....
۱۲	۱-۳-۱- نشست استکهلم ۱۹۷۲.....
۱۳	۲-۳-۱- نشست و گزارش براتلند ۱۹۸۷.....
۱۴	۳-۳-۱- کنفرانس ریو ۱۹۹۲.....
۱۵	۴-۳-۱- پیمان کیوتو ۱۹۹۷.....
۱۶	۵-۳-۱- کنفرانس ریو+۲۰.....
۱۸	۴-۱- توسعه پایدار یا پایداری؟.....
۱۹	۵-۱- دیدگاه‌ها پیرامون توسعه پایدار (کمالی، ۱۳۹۱).....
۲۰	۶-۱- نظریه اقتصاد سبز (ماریا و همکاران، ۲۰۱۱).....
۲۱	۷-۱- نئولیبرالیسم.....
۲۴	۸-۱- عدالت و توسعه.....
۲۷	۹-۱- محیط‌زیست و فقر.....
۲۷	۱۰-۱- توسعه پایدار در ایران.....
۲۸	۱-۱۰-۱- بحران کم آبی.....
۲۹	۲-۱۰-۱- وابستگی به منابع تجدیدناپذیر.....
۳۲	۲- نقدها و راهکارهای متعارف.....
۳۲	۱-۲- نقد توسعه پایدار.....
۳۶	۲-۲- نقد دستور کار ۲۱.....
۴۱	۳-۲- نقد گزارش «آینده مشترک ما».....
۴۲	۴-۲- نقد نئولیبرالیسم در چارچوب نظریه مدرنیته اکولوژیک.....
۴۴	۵-۲- پارادوکس نئولیبرالیسم.....
۴۹	۶-۲- راهکارهای پیشنهاد شده برای عبور از نئولیبرالیسم.....
۵۲	۳- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و چالش «ناپایداری توسعه پایدار».....
۵۲	۱-۳- مقدمه.....
۵۷	۲-۳- مبانی فلسفی «حق» و «عدل» در اسلام.....
۵۷	۳-۲-۱- حق و تکلیف در اسلام.....



۶۱	.....۲-۲-۳-هماهنگی «عدالت تکوینی» و «حقوق تکوینی»
۶۳	.....۱-۲-۲-۳-هماهنگی بین دو تعریف متفاوت از عدل
۶۴	.....۳-۲-۳-هماهنگی «عالم تکوین» و «عالم تشریح»
۶۶	.....۴-۲-۳-هماهنگی حقوق تکوینی و عدالت تشریحی
۶۷	.....۳-۳-مواجهه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با چالش «ناپایداری توسعه پایدار»
۶۸	.....۱-۳-۳-حق بشر از محیط زیست و منابع طبیعی
۷۰	.....۲-۳-۳-سهم سایر موجودات از این دنیا
۷۲	.....۳-۳-۳-حق آیندگان از منابع طبیعی و محیط زیست
۷۵	.....۴-۳-۳-اسلام و «ناپایداری توسعه پایدار»
۸۰	.....۴-۳-شاخص های اسلامی توسعه پایدار
۸۵	.....۴-خلاصه، جمع بندی و پیشنهادات
۸۸	.....منابع



## ۱- توسعه پایدار

### ۱-۱- مقدمه

هنگامی که در سال ۱۷۷۶ آدام اسمیت با ارائه کتاب ثروت ملل، علم اقتصاد امروزی را بنیان گذاشت، اندیشمندانی که در ابتدا شروع به نظر دادن در باب اقتصاد می‌کردند، اغلب همان افرادی بودند که در خصوص اخلاق، عدالت، هستی‌شناسی، و سایر حوزه‌های فلسفی دیگر نیز صاحب نظر بودند. لذا نسل‌های نخستین نظریه‌های اقتصادی، کشش بالایی به سوی مسائل اخلاقی، عدالت و بحث باید و نبایدها داشت. با افزایش مقالات و کتاب‌ها و گسترش نظری اقتصاد، لازم شد اقتصاددانان در چارچوب مدونی ادعاهای خود را اثبات کنند. برای پاسخ به این نیاز، به تدریج ابزارها و مدل‌های ریاضیاتی به اقتصاد رخنه کردند و محاسبات کمی استقرایی جایگزین مباحث فلسفی و اثبات‌های عقلانی شد. در این مراحل بود که رفته‌رفته راه اقتصاد از راه فلسفه فاصله گرفت و لذا از نگاه اخلاقی، عدالت طلبانه و هنجاری نیز فاصله گرفت. فرض کردن انسان به عنوان موجودی منفعت طلب، حسابگر، طمعکار، خودخواه و بی‌اخلاق که تنها به غرایض نفسانی و حداکثر کردن لذات مادی می‌اندیشد، به تدریج به یکی از اصول بنیادین تفکر اقتصادی تبدیل شد. همچنان که روند توسعه جوامع شدت گرفت و رقابت کشورها بر سر کسب سهم بیشتری از بازارها قوت گرفت، اقتصاد بیش از پیش به سوی مادی‌گرایی، منفعت‌طلبی و مصرف‌گرایی سوق پیدا کرد و تبدیل به علمی شد که دیگر برایش اخلاق و عدالت اولویتی ندارد، بلکه توسعه و رشد اقتصادی تبدیل به هدف غایی شد؛ حتی به قیمت دور شدن از ارزش‌های اخلاقی و انسانی. در کمتر از چند دهه، اقتصادی که از اخلاق فاصله گرفته بود، مشکلات متعددی را به همراه آورد. رشد بی‌امان بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر، روند تصاعدی آلاینده‌های زیست‌محیطی و از بین رفتن منابع



طبیعی، بی تفاوتی نسبت به فقر و شکاف طبقاتی، قطبی شدن جهان به بلوک شرق و غرب، جهان اول و جهان سوم، کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و... تنها مثال‌هایی از این مشکلات هستند. لذا در حدود یک دهه پس از رکود دهه ۱۹۳۰ و در میانه قرن بیستم میلادی، انتقادات اندیشمندان به جهت گیری علم اقتصاد رو به فزونی گذارد. محیط‌زیست و مسئله از بین بردن منابع زمین یکی از مهمترین این انتقادات بود که بویژه از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی پررنگ‌تر شد (مصطفوی، ۱۳۸۹). اقتصاد متعارف نه تنها بشر را خودخواه و منفعت طلب می‌داند که به فکر حداکثر کردن لذات شخصی‌اش است، بلکه به موازاتی که دیدگاه‌های اقتصادی در جامعه نفوذ می‌کند، چنین خصوصیات ناپسندی را در انسان‌ها نهادینه می‌کند. در پژوهشی که مارول و ایمز (۱۹۸۱) انجام دادند، مشاهده بسیار جالبی صورت گرفت که نتایج خیره کننده‌ای را به همراه داشت. در این پژوهش، افراد در گروه‌های چندین نفره قرار می‌گرفتند و به هریک از آنها ۲۵۰ ژتون داده شد. این افراد اختیار داشتند ژتون خود را یا در یک سرمایه‌گذاری فردی و یا در یک سرمایه‌گذاری گروهی قرار دهند. سرمایه‌گذاری گروهی به تمام افراد گروه سود می‌دهد و سرمایه‌گذاری فردی تنها به کسی که سرمایه‌گذاری کرده است سود می‌دهد. از افراد سوال می‌شد که چند ژتون را به سرمایه‌گذاری فردی و چند ژتون را به سرمایه‌گذاری گروهی تخصیص می‌دهند. افراد می‌دانستند که اگر همگی آنها با تمام ژتون هایشان در سرمایه‌گذاری گروهی وارد شوند، منافع و عایدی تمام آنها حداکثر می‌شود و اگر همه آنها با تمام ژتون هایشان در سرمایه‌گذاری فردی وارد شوند، مجموع عایدی‌های افراد حداقل خواهد بود. اگرچه افراد می‌دانند که سرمایه‌گذاری جمعی منفعتی بیشتری برای تمام آنها در پی خواهد داشت، اما هر فرد می‌داند که تصمیمش تاثیری بر تصمیم سایر افراد گروه ندارد و در نتیجه ممکن است فرد با نگاهی خودخواهانه، سهم بیشتری از ژتون هایش را به سرمایه‌گذاری فردی اختصاص دهد و امیدوار باشد که از سرمایه‌گذاری جمعی سایرین نیز عوایدی بدست آورد تا به این صورت منافع شخصی خود را حداکثر کند. لذا امکان تمایل به سواری مجانی<sup>۱</sup> مطرح می‌شود. در این مسئله که تمایل افراد مختلف به سواری مجانی مورد واکاوی قرار گرفت، مشخص شد که اکثر افراد به طور میانگین تمایل دارند ۴۱ درصد از ژتون‌های خود را به سرمایه‌گذاری گروهی اختصاص دهند و الباقی را به

1. Free riding



طور شخصی سرمایه‌گذاری کنند. نکته جالب اینجا است که دانشجویان رشته اقتصادی که در این آزمایش شرکت کرده بودند تنها حاضر شدند ۲۰ درصد ژتون‌های‌شان را به سرمایه‌گذاری گروهی تخصیص دهند. با پرس‌وجوی بیشتر پیرامون علت این امر، معلوم شد که بسیاری از دانشجویان رشته اقتصاد که مورد مطالعه قرار گرفتند آشکارا نودوستی و انصاف را مفاهیمی غریب می‌پنداشتند و در نتیجه در مقایسه با سایرین کمک بسیار کمتری به گروه کردند تا منافع شخصی خود را به حداکثر برسانند. این پژوهش دو نتیجه مهم را در بر دارد که در طول یکدیگر عمل می‌کنند. نخست، نشان داد که شناخت نادرست اقتصاد نسبت به ویژگی‌های انسان، خود این علم را از مسیر درست دور نموده است. لذا علمی که در چارچوب متعارفش، رسالت سوق دادن بشر به سوی حیات مادی مرفه و آسوده را دارد، در واقع بشر را به سوی پرتگاهی سوق می‌دهد که چنانچه از این پرتگاه سقوط کنیم، یا اساساً راه برگشتی نخواهیم داشت و یا این امر با هزینه‌های گزافی همراه خواهد بود. نتیجه دوم که شاید حتی از نتیجه نخست نیز مهم‌تر باشد این است که علاوه بر اینکه شناخت نادرست علم اقتصاد از انسان، خود این علم را به انحراف کشانده است، بلکه حضور چنین علم جهت‌دار و بدور از عدالتی در محافل آکادمیک موجب شده است تا فضای دانشگاه‌ها نیز به سوی نادرستی سوق پیدا کند. این مطلب را می‌توان این‌گونه توضیح داد که در وهله نخست، خود اقتصاددانان با تاثیر گرفتن از اقتصاد متعارف، صفات نه چندان اخلاقی را که اقتصاد بر آن تکیه دارد (مانند خودخواهی، طمع ورزی و...) در خود نهادینه می‌کنند. در وهله دوم، با توجه به این که علم اقتصاد با علوم متعددی در ارتباط است (مانند جامعه‌شناسی، سیاست، محیط‌زیست، روانشناسی و...)، در نتیجه این فکر نادرست در هر پژوهش بین رشته‌ای به سایر علوم نیز تسری یافته و کلیه حوزه‌های علمی مرتبط و نزدیک با علم اقتصاد را متأثر می‌سازد. یکی از حوزه‌هایی که به شدت از اقتصاد متعارف آسیب دیده است، محیط‌زیست و منابع طبیعی است. سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران اقتصادی در اکثر جوامع نفوذ بسیار زیادی در تصمیمات مرتبط با محیط‌زیست دارند و در نتیجه، در طی سال‌های متمادی پیشرفت و توسعه اقتصادی متعارف، آسیب‌های زیست‌محیطی به طور روزافزون در حال افزایش بوده است. کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۴ پیرامون آسیب‌های



بشر به محیط‌زیست تشکیل شد و سپس گزارشی پس از ۹۰۰ روز در سال ۱۹۸۷ منتشر شد که مسائل و معضلات زیست‌محیطی را که در آن ۹۰۰ روز بواسطه اهداف توسعه‌ای بشر به اکوسیستم تحمیل شده است را بر می‌شمرد تا اهمیت تقابل توسعه و اکوسیستم را تشریح کند. جالب اینجاست که در همین مدت، فجایع متعددی روی داده بود. از جمله مهم‌ترین فجایعی که در طی همین ۹۰۰ روز رخ داده و بشر مستقیماً مسئول روی دادن آنها بود، عبارت است از (بیانیه آینده مشترک ما، ۱۹۸۷):

- خشکسالی در افریقا یک میلیون نفر را کشته و جان ۳۶ میلیون نفر دیگر را تهدید می‌کند و توسعه و محیط‌زیست را در تقابل جدی قرار داده است.
  - بخاطر نشت سموم آفت‌کش در بوپال<sup>۱</sup> هند، ۲۰۰۰ نفر کشته و ۲۰۰ هزار نفر نیز آسیب دیده یا نابینا شدند.
  - انفجار تانکر گاز مایع در مکزیک ۱۰۰۰ نفر را کشته و هزاران نفر را بی‌خانمان کرد.
  - انفجار نیروگاه چرنوبیل روسیه، تمام اروپا را به مواد رادیواکتیو آلوده کرده و احتمالاً موجی از سرطان را در آینده به همراه خواهد آورد.
  - در اثر انفجار یک انبار در سوئیس، محلول‌های کشاورزی حاوی جیوه به رودخانه راین<sup>۲</sup> وارد شد که منجر به مرگ میلیون‌ها ماهی و آلوده شدن آب آشامیدنی بسیاری از مناطق کشورهای آلمان و هلند شد.
  - برآورد شده است که در این مدت بیش از ۶۰ میلیون نفر که اکثر آنها کودک هستند، در اثر اسهال شدید ناشی از آب و تغذیه آلوده، جان باخته‌اند.
- دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی را می‌توان دوره شروع توجه جدی بشر به مسائل زیست‌محیطی دانست. از همین زمان بود که دانشمندان محیط‌زیست به بحران جدی محیط‌زیست پی بردند و با تشکیل سمینارها، کنفرانس‌ها، تهیه گزارشات، و صدور بیانیه‌های زیست‌محیطی، قدم اولیه برخورد با زیان‌های زیست‌محیطی را برداشتند. اگرچه این تلاش‌ها در ابتدا بازخورد شدیدی نداشت و در سطح جهانی، توجه کم‌رنگ و مبهمی به آن می‌شد، اما تعدادی از دولت‌های محلی در برخی کشورها که پیشتر نیز متوجه آسیب‌های زیست‌محیطی شده بودند، موضوع را جدی‌تر گرفته و قوانین منطقه‌ای زیست‌محیطی خود را تدوین کردند تا از اقلیم خود محافظت کنند. اقبال رو به گسترش

1. Bhopal  
2. Rhine

دولت‌های محلی و نیز ادامه‌دار شدن برگزاری سمینارها و همایش‌ها و نگارش مقالات زیست‌محیطی، موجب شد تا رفته‌رفته چنین قوانینی به سطوح عالی کشورها رخنه کرد و در برخی کشورهای توسعه‌یافته قوانین زیست‌محیطی در سطح ملی شکل گرفت. این روند در طی دهه‌های گذشته همواره رو به افزایش بوده و با آگاه‌تر شدن عموم مردم از اهمیت محیط‌زیست، در نهایت و در نتیجه فشار افکار عمومی، موضوع محیط‌زیست تبدیل به دغدغه‌ای جهانی شد و این موضوع به بالاترین سطوح بین‌المللی راه یافت. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که مجموعه قوانین بین‌المللی در برخورد با محیط‌زیست را تبیین می‌کند، یکی از مصادیق نگاه جهانی به محیط‌زیست بشمار می‌رود (طیبه، ۱۳۹۲).

کنفرانس محیط‌زیست استکهلم در سال ۱۹۷۲ یکی از اولین کنفرانس‌های زیست‌محیطی بود که توجه جهان را به خوبی به مسئله محیط‌زیست معطوف ساخت. پس از آن و در سال ۱۹۸۷ دو اتفاق مهم افتاد که نقطه عطف توجه جهانی به مفهوم توسعه پایدار<sup>۱</sup> محسوب می‌شوند؛ اول، گزارشی تحت عنوان «آینده مشترک ما»<sup>۲</sup> که وخامت اوضاع زیست‌محیطی و چشم انداز تاریک آینده آنرا ترسیم می‌کرد و دوم، کمیسیون براتلند<sup>۳</sup> که جرقه اولیه برخی از مهمترین دستورالعمل‌ها و قوانین و بیانیه‌های زیست‌محیطی بشمار می‌رود. پس از این دو رویداد بود که مسئله حفظ محیط‌زیست در لیست اولویت‌های اصلی سازمان ملل قرار گرفت (لفرتی، ۱۹۹۹). با تخصیص بودجه و امکانات توسط سازمان ملل، حرکت بشر به سوی محیط‌زیست سالم‌تر ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و مفهوم توسعه پایدار که پیشتر در کنفرانس استکهلم و حتی پیش از آن به صورت پراکنده مطرح می‌شد، اکنون به طور فراگیر مطرح شده و به بحث گزاردده شد. از آن زمان تاکنون موضوع توسعه پایدار محور کنفرانس‌های مهم بین‌المللی بوده است. از مهمترین این کنفرانس‌ها و نشست‌ها (که در ادامه تشریح خواهند شد) کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲، اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲ و کنفرانس ریو+۲۰ در سال ۲۰۱۲ را می‌توان نام برد (مالکی و ملک‌محمدی، ۱۳۹۲).

1. Sustainable development  
2. Our common future  
3. Brundtland